

Analyzing and functional analysis of the post-modern prophecy of God's

Prophet in identifying the divine guides

Alireza Janalizadeh Chenari,¹

(DOI): [10.22034/skh.2023.16096.1416](https://doi.org/10.22034/skh.2023.16096.1416)

Abstract

Original Article

P 216 -237

during his blessed life, the holy prophet guided the society in many ways. due to the necessity of guidance in different eras, during his lifetime, he introduced guidance in the form of prophecies in an extra-era way for the eras when he was not physically present. they were precious in the society. these prophecies were not just news of the future, but as a wise person who had the task of guiding and leading the society, he pursued goals. one of the researchable issues in the prophetic life is the prophecies issued with the approach of identifying the divine guides in the islamic society.

The introduction of the divine guides by the Holy Prophet in the form of prophecy included what functions and what functions did it follow? The necessity and expression of the functions of divine guidance, on the one hand, led to the recognition of the guidance of the Holy Prophet in the form of inclusiveness, as well as the forward-looking view of that honorable man to remove the dust of sedition and smooth the path of such guidance.

In the end, it has been concluded that the Messenger of God to guide the society in various seditions and events in the form of prophecy, on the one hand, introduced the divine guides in two layers: introduction of Ahl al-Bayt, and prominent personalities as criteria and role models. They also stated the properties of the misleading, which has followed functions such as: preaching to the followers and warning to the opponents, identifying the misleading flow, proving the evil of the misleading properties, the standard and model for recognizing the guiding and misleading flow.

This research is a historical research type, using a descriptive-analytical method and using library resources.

Keywords: Guidance, prophesy, imams of purification, prophet and foresight.

1. Level 4 scholar at the Seminary, Qom, Iran / janalizadeh313@gmail.com.

واکاوی ابعاد و کارکردشناسی پیش‌گویی فراعصری نبوی در شناساندن هدایت‌گران الهی

علیرضا جانعلی زاده چناری^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2023.16096.1416](https://doi.org/10.22034/skh.2023.16096.1416)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۲۳۷/۲۱۶

پیامبر اکرم (ص) در طول حیات مبارک خویش، با روش‌های متعددی به هدایت‌گری جامعه پرداختند. با توجه به ضرورت هدایت‌گری در اعصار مختلف، ایشان در دوران حیات خود به‌صورت فرا عصری برای دورانی که حضور فیزیکی نداشتند، در قالب پیش‌گویی اقدام به شناساندن هدایت‌گران الهی در جامعه کردند. این پیش‌گویی‌ها صرفاً خبر از آینده نبوده، بلکه به‌عنوان فرد حکیمی که وظیفه‌ی هدایت و سعادت جامعه را داشته، اهدافی را دنبال کرده‌اند. یکی از مسایل قابل تحقیق در سیره نبوی، پیش‌گویی‌های صادر شده با رویکرد شناساندن هدایت‌گران الهی در جامعه اسلامی بوده است. مساله پژوهش حاضر آن است، که شناساندن هدایت‌گران الهی توسط پیامبر اکرم (ص) در قالب پیش‌گویی شامل چه ابعادی بوده و چه کارکردهایی را دنبال کرده است؟ ضرورت ابعاد و بیان کارکردهای شناساندن هدایت‌گران الهی از طرفی موجب شناخت ابعاد هدایتی پیامبر اکرم (ص) به‌صورت فرا عصری، هم‌چنین نگاه آینده‌نگر در منش آن بزرگوار برای زدودن غبار فتنه و هموار کردن مسیر هدایت آشکار می‌گردد. در پایان به این نتیجه رسیده است که رسول گرامی خدا (ص) برای هدایت جامعه در حوادث مختلف در قالب پیش‌گویی از طرفی اقدام به شناساندن هدایت‌گران الهی در دو لایه؛ معرفی اهل بیت (ع) و شخصیت‌های شاخص به‌عنوان معیار و الگو، هم‌چنین خواص ضلالت‌گر را بیان کردند که کارکردهایی از جمله تبیین جریان حق و باطل؛ شاخص‌سنجی و معیار شناخت باطل؛ شناساندن عناصر مانع در هدایت‌گری را دنبال کرده است. این تحقیق از سنخ پژوهش‌های تاریخی با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تهیه گردیده است.

واژگان کلیدی: هدایت، اهل بیت، پیش‌گویی، پیامبر اکرم (ص)، آینده‌نگری.

۱- دانش‌پژوه سطح ۴ حوزه علمیه، قم، ایران / janalizadeh313@gmail.com

مقدمه

خدای متعال در قرآن کریم وجود مقدس خاتم الانبیا^(ص) را هدایت‌گر جامعه معرفی کرده و فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه / ۳۳) پیامبر اکرم^(ص) در طول حیات مبارک خویش با ابزارهای مختلف نسبت به افراد متفاوت به هدایت‌گری پرداختند. از این‌رو، فلسفه بعثت نبوی، هدایت به دین حق و منتهی شدن به سعادت و کمال اُمّت است. پس از فحص و بررسی در سیره نبوی، بُعدی که بیش‌تر به آن پرداخته شده هدایت‌گری پیامبر اکرم^(ص) در دوران حضور بوده است، اما در این پژوهش ابعاد هدایت‌گری همراه با کارکردشناسی آن توسط رسول خدا^(ص) به صورت فرا عصری در دورانی که حضور نداشتند هم در قالب پیش‌گویی قابل بحث است؛ چرا که هدف از پیش‌گویی صرفاً خبر از آینده نبوده، بلکه پیامبر گرامی اسلام^(ص) این پیش‌گویی‌ها را بر اساس کارکردهای مشخصی بروز داده‌اند، که قابل تحقیق و بررسی است. این پژوهش با رویکرد تحلیل محتوا به صورت توصیفی - تحلیلی، ابعاد و کارکردشناسی پیش‌گویی‌های پیامبر اکرم^(ص) را بررسی کرده است.

پژوهشی مبتنی بر موضوع مذکور یافت نشد. گرچه برخی کتاب‌های در بیان پیش‌گویی‌های نبوی نگارش شده است، اما به ابعاد و کارکردشناسی پیش‌گویی‌ها پرداخته نشده و جنبه نوآوری دارد. در کتاب اخبار غیبی یا پیش‌گویی‌های پیامبر اعظم^(ص) (واصف لاهیجی، ۱۳۹۱) به صرف پیش‌گویی و اخبار غیبی در حد بیان کرامت پرداخته و کارکردشناسی آن‌ها را بیان نکرده است. مقاله‌ای امام علی^(ع) وصی و جانشین پیامبر اکرم^(ص) (مشکین‌نژاد، پرویز، فرهنگ، ۱۳۷۹: شماره ۳۳، ۷۹) که صرفاً به پیش‌گویی‌های تاریخی پیامبر اکرم^(ص) بر جانشینی حضرت امیر مومنان امام علی^(ع) اشاره کرده است، ولی به ابعاد هدایت‌گری و کارکردشناسی پیش‌گویی نپرداخته است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. مفهوم پیش‌گویی

در کتاب‌های لغت، عمل و کار شخص پیش‌گو، پیش‌گوینده، کهانت، غیب‌گویی و اخبار از آینده را «پیش‌گویی» گویند. (معین، ۱۳۸۶: ۶۹۵) واژه «ملاحم» نیز، از جمله واژه‌هایی است، که در زبان عربی در مفهوم «پیش‌گویی» به کار رفته است. «پیش‌گویی» بیش‌تر جنبه‌ی فرامادی دارد و در ارتباط با عالم غیب به کار می‌رود که بُعد معنوی و دینی دارد همچنان‌که در زبان انگلیسی هم واژه‌ی

پیامبر،^۱ و پیش‌گویی،^۲ از یک ماده هستند. در واقع «پیش‌گویی» در جایی است، که از طریق عادی دسترسی وجود ندارد؛ اما «پیش‌بینی» به معنای حدس زدن وقایع آینده از علل، اسباب و قرائین موجود است. (معین، ۱۳۸۶: ۶۸۴) به عنوان مثال، گاهی پزشک با دیدن احوال فرد بیمار می‌تواند، بگوید؛ که او بهبود خواهد یافت و یا خواهد مُرد! این به معنای پیش‌بینی از قرائین موجود است. شاهد مثال عینی دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد، این است، که در بیان وضعیت جوئی گفته می‌شود پیش‌بینی وضع هوا، اما نمی‌گویند؛ پیش‌گویی وضع هوا! در واقع «پیش‌بینی» ناظر به علم عادی بشر، بر اساس قرائین و مادی است، اما «پیش‌گویی» در جایی است، که از طریق عادی دسترسی وجود ندارد و خاستگاه آن، علم پیامبر اکرم^(ص) و اهل بیت^(ع) به صورت فرا مادی بوده است.

۲.۱. مفهوم کارکرد

واژه‌ی «کارکرد»، به معنای عمل و کار، اندازه و مقیاس کار انجام شده آمده است. (همان: ۱۹۲۱) همچنین به معنای اندازه و مقیاس کار انجام شده آمده است. (عمید ۱۳۶۰: ۳۵۱) در لغت‌نامه دهخدا واژه راندمان به معنای بهره کارکرد، نتیجه کار و کوشش، میزان موفقیت در کار نقل شده است. (دهخدا ۱۳۳۷: ۹۵۶)

۳.۱. مفهوم هدایت

در ادامه، واژه‌ی «هدایت» از ماده‌ی «ه د ی» و به معنای ارشاد و راهنمایی (جوهری، ۱۴۰۷: ۶، ۲۵۳) همچنین راهنمایی از روی لطف و مهربانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۳۵) شناختن و راهنمایی کردن به راه و خانه (جوهری، پیشین: ۶، ۲۵۳) خارج کردن چیزی به سوی چیز دیگر و طاعت و وَرَع (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵، ۳۵۵) آمده است، ضمن این‌که «ضلالت» نقیض آن است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴، ۷۷) بررسی اجمالی دیدگاه دانشمندان لغت شناس، پیرامون معنای واژگانی «هدایت»، نشان می‌دهد، که آنان در برخورداری این واژه از معنای «راهنمایی کردن» اشتراک دیدگاه دارند.

۲. یافته‌ها

پس از بررسی سیره‌ی نبوی در پیش‌گویی‌های صادره نسبت به شناساندن هدایت‌گران الهی

^۱ - Prophet

^۲ - Prophecy

آنچه به دست آورده، معرفی هدایت‌گران الهی در چند لایه با کارکردهایی بوده که در این تحقیق به آن می‌پردازیم.

۲.۱. شناساندن هدایت‌گران الهی ناظر به امامان اطهار^(ع)

پیامبر مکرم اسلام^(ص) در راستای شناساندن هدایت‌گران الهی و شخصیت‌های شاخص در قالب پیش‌گویی، دو بُعد حفاظتی برای امت اسلامی تعریف کردند. بُعد اول و اصیل، اهل‌بیت و امامان معصوم^(ع) بوده‌اند، که رسول‌گرامی خدا از ابتدای رسالت خود، با شیوه‌های مختلف به معرفی آن‌ها پرداختند؛ زیرا جامعه نیازمند هدایت‌گران و خواصی است، که جامعه را رهبری و آینه‌ی قوانین الهی روی زمین باشند. پیامبر مکرم اسلام^(ص) در ابتدا به‌صورت کلی شخصیت‌های شاخص و امامان را به‌عنوان هدایت‌گر و جانشین خود، با قیود مختلفی همانند: «کلهم من قریش» (طبرانی، ۱۴۰۴: ۲، ۲۵۳)، «کلهم من بنی هاشم»، (ابن حنبل بغدادی، ۱۴۰۰: ۴، ۱۰۷؛ نیشابوری، ۱۴۱۲: ۷، ۵۸؛ ترمذی، ۱۴۱۹: ۵، ۲۴۳۹)، «کلهم يعمل بالهدی و دین الحق، من اهل‌بیتی، من ولدی» (ابن کثیر، ۱۳۹۸: ۶، ۲۴۸)، «اثنا عشر خلیفه» (نیشابوری، پیشین: ۷، ۵۸؛ ابن حنبل بغدادی، پیشین: ۷، ۴۱۰) بیان کردند. ایشان اهل‌بیت^(ع) و عترت خود را به دوازده خلیفه و جانشین تفسیر کرده و از وسعت مفهوم این الفاظ «اهل‌بیت، عترت، امیر و خلیفه» کاسته و از این طریق روشن ساخته است، که مقصود از آن، مطلق خاندان وی نیست، بلکه گروه انگشت شماری است، که جانشین ایشان هستند، هم‌چنین عزت دین به پیروی از آنان بستگی دارد.

برخی احادیثی که مشتمل بر کلمه «اثنی عشر» بوده و به‌طور فراوان و مجموعاً در حد تواتر در کتاب‌های اهل سنت مطرح شده و آمده است؛ از جمله این‌که در روایتی پیامبر مکرم اسلام^(ص) فرمودند: «یملک هذه الامة اثني عشر خليفة كعدد نقباء بني اسرائيل» (ابن حنبل بغدادی، پیشین: ۱، ۴۰۶؛ متقی هندی، ۱۴۱۹، الف: ۳۳؛ نیشابوری، پیشین: ۴، ۵۰۱) به‌طور خلاصه طبق این احادیث پیامبر گرامی اسلام^(ص) با تعبیرات گوناگون موضوع خلافت و زمام‌داری و رهبری دوازده نفر بعد از خود را بشارت داده و پیش‌گویی کردند.

علاوه بر این‌که پیامبر اکرم^(ص) به‌صورت کلی اهل‌بیت^(ع) و جانشینان پس از خود را بیان و معرفی کردند، به شناساندن هدایت‌گران الهی به‌صورت مصداقی همراه با ذکر نام و ویژگی، در قالب پیش‌گویی اقدام کردند. گرچه عالمان اهل سنت در مصادیق امامان با عالمان تشیع اختلاف دارند، که در پاسخ می‌توان گفت: با توجه به این‌که رسول مکرم خدا^(ص) فرمود: «خلفای پس از من دوازده

نفرند»، به‌طور قطع، افراد مشخصی را در نظر داشته‌اند؛ زیرا در غیر این صورت تفاوتی نمی‌کند، که عدد آنان دوازده تن باشد، یا بیش‌تر و کم‌تر! علاوه بر این، مشکل است باور کنیم که پیامبر اکرم (ص) سخنی بگوید؛ که در مخاطبانش ایجاد سوال نماید، ولی به سوالات شان پاسخ ندهد و برای همیشه در انتظار نگه‌دارد! هم‌چنین قابل قبول نیست، پیامبری که تمامی مسایل مورد نیاز جامعه اسلامی را بیان کرده، در مورد چنین مساله مهم و سرنوشت‌سازی، سخن را مجمل و بدون تعیین مصداق بیان کرده است. قرینه دیگری که در پاسخ اهل سنت می‌توان اشاره کرد، احادیثی است، که از حضرت مهدی (عج) به‌عنوان آخرین خلیفه و جانشین رسول خدا (ص) یاد شده است. بنابراین، دوران خلافت خلفای رسول خدا (ص) هنوز پایان پذیرفته است و در آخرالزمان، مردی از اهل بیت پیامبر اکرم (ص) به حکومت خواهد رسید. به‌عنوان نمونه؛ در نقلی رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطلو الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً من اهل بیتی، یواطئ اسمہ اسمی و اسم ابیه اسم ابی، یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً.» (طبرانی، پیشین: ۱۰، ۱۶۶؛ ابن حنبل بغدادی، پیشین: ۱، ۹۹) این مطلب تاییدی نسبت به دیدگاه تشیع در مساله تعیین امام و جانشین رسول خدا (ص) است که باید از سوی خداوند انجام گیرد. از این‌رو، دوران خلافت خلفا و جانشینان رسول خدا (ص) چنان‌که دانشمندان اهل سنت پنداشته‌اند، در اوایل قرن دوم هجری، پایان نیافته است، بلکه آن‌گونه که در احادیث نبوی آمده است، پایان آن با خلافت حضرت مهدی (ع) و در آخر الزمان خواهد بود. گذشته از این، در لابلای احادیث نقل شده از طریق اهل سنت، می‌توان به خوارزمی از عالمان اهل سنت اشاره کرد که نقل کرده است: روزی سلمان خدمت رسول خدا (ص) رسید در حالی که حضرت حسین بن علی (ع) در آغوش او بود، چشمان او را بوسید و فرمود: «انک سید ابوساده، انک امام ابن ائمه، انک حجه ابن حجة ابو حجاج تسعه من صلیک، تاسعهم قائمهم.» (خوارزمی، ۱۴۲۳: ۱، ۲۱۲) گرچه معرفی امامان و پیشوایان اظهار بعد از امام حسین (ع) در منابع متقدم هم نیامده باشد، اما شناساندن لایه اول از هدایت‌گران الهی به‌عنوان امام جامعه از امام علی (ع) تا امام حسین (ع) و ویژگی امامان بعدی از نسل ایشان تا حضرت مهدی (عج) بیان گردیده است.

۲.۲. شناساندن خواص هدایت‌گر ناظر به صحابه شاخص

صحابی پیامبر اکرم (ص)، انسان‌های ممتازی بودند، که در عصر نبوی زندگی کرده و بر اثر مصاحبت پیوسته از برکات وجودی حضرت بهره برده‌اند. صحابه افرادی بودند؛ که پشوانه‌ی محکمی برای تثبیت و پیش‌رفت اسلام محسوب می‌شدند. واژه‌ی صحابی، شامل افرادی است، که

در راستای هدایت‌گری، ثابت قدم بوده و در جامعه اسلامی در ذیل ابعاد هدایت‌گری نبوی، نقش آفرینی کرده‌اند، که می‌توان به حدیث «أَصْحَابِي كَالنُّجُومِ»، اشاره کرد. در نقلی آمده است: «إِنَّ أَصْحَابِي بِمَنْزِلَةِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ، فَإَيُّمَا أَخَذْتُمْ بِهِ إِهْتَدَيْتُمْ.» (مناوی، ۱۳۵۶: ۱، ۲۰۹: ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۲، ۳۵۹) پس از بررسی، آن‌چه حاصل شده است، این است، که بسیاری از دانشمندان اهل سنت، به صراحت این حدیث را با تمام متون و سندهایش ضعیف دانسته‌اند. برخی دیگر قایل به عدم صحت آن هستند. (ابن قدامه، بی‌تا: ۱۲) جمعی دیگر، بر این باورند؛ که این روایت دارای ضعف جدی است (سخاوی، ۱۴۰۵: ۱، ۱۴؛ مبارکفوری، ۱۴۱۰: ۱۰، ۱۵۵)، عده‌ای دیگر نیز، آن را جعلی می‌دانند. (آلبانی، ۱۴۱۲: ۱، ۴۹) این موارد نمونه‌ای از تعابیر و تضعیف‌هایی است، که در باره‌ی این حدیث، به کار رفته است.

هم‌چنین از حیث دلالتی، با توجه به تعابیر مختلف در این حدیث، عبارت «فبأی قول أصحابی أخذتم اهتدیتم» تمسک به قول صحابی به هر میزان که باشد، را هدایت‌گر دانسته است؛ اما اقتدا به صحابه و انتخاب آنان به نحو تخییری از میان صحابه نیز، مستلزم ترجیح بلا مرجح است؛ چرا که متفاوت بودن مراتب فضل صحابه غیر قابل انکار است و همه آن‌ها در یک مرتبه نبوده‌اند، همان‌طور که نقل شده است: «بعضها أضواء من بعض.» (متقی هندی: ۱۴۱۹: ۱، ۳۲۱) بنابراین، تمسک به همه‌ی گفتار و رفتار همه صحابه صحیح نیست. هم‌چنین این نقل با روایات بسیاری از پیامبر مکرم اسلام^(ص) که در منع اقتدا به صحابه وجود دارد، تعارض دارد. در نقلی رسول گرامی خدا^(ص) فرمودند: «تکون بین أصحابی فتنة یغفر الله لهم سابقتهم، ان اقتدی بهم قوم من بعدهم کبهم الله تعالی فی نار جهنم» (همان: ۱۱، ۲۹۴) علاوه بر این در برخی از منابع از عدم پای‌بندی برخی از آنان به کتاب خدا و سنت نبوی و بدعت‌گذاری شان در دین (سرخسی، بی‌تا: ۲، ۱۰۷) خبر داده شده است. بنابراین، حدیث فوق غیر معتبر خواهد بود و شامل پیروی از هر صحابی نمی‌شود، بلکه فردی که رسول خدا^(ص) او را به صورت مصداقی معرفی کرده، صحابی شاخص بوده است.

با توجه به نگرانی رسول خدا^(ص) نسبت به وجود دشمنان و تکذیب کنندگان اهل بیت^(ع) به‌عنوان لایه اول هدایت‌گر، در قالب پیش‌گویی، صحابی شاخص را به‌عنوان لایه دوم حفاظتی، در راستای شناساندن هدایت‌گران الهی برای امت اسلامی تعریف کردند. لایه دوم، مکمل و مروج لایه اول بوده است، که اصحاب خاص و درجه یک اهل بیت^(ع) هستند و در طول معصومان همان نقش هدایتی و بصیرتی را دنبال کردند، که شامل هر صحابی نخواهد شد.

پیامبر اکرم^(ص) جهت شناساندن خواص هدایت‌گر در قالب پیش‌گویی، نحوه‌ی از دنیا رفتن به

ضمیمه‌ی فضایل صحابی شاخص هدایت‌گر را به صورت عمومی در جامعه بیان کردند. لازم به ذکر است تکثر تعداد صحابی شاخص محل بحث نیست و به مواردی اشاره خواهد شد؛ زیرا اصل شناساندن لایه‌ی دوم هدایت‌گر از صحابی معظم مورد بحث بوده که رسول خدا^(ص) افرادی را شاخص هدایتی معرفی کرده و خط معیار و الگو در حوادث مختلف بین امت اسلامی را عمل کرد این صحابی بیان کردند.

از جمله این صحابی شاخص، جناب سلمان فارسی است. رسول مکرم خدا^(ص) در باره او فرمود: «اگر فردی می‌خواهد، به مردی بنگرد که خداوند قلبش را سرشار از ایمان کرده است، به سلمان نگاه کند!» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱، ۱۵۰) بنابراین، سلمان نماد و تجلی ایمان معرفی گردیده است، که او را فردی شاخص بین صحابه قرار داده است.

هم‌چنین در شاخص بودن جناب سلمان فارسی، نقل شده است: «إِنَّ سَلْمَانَ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ.» (کشی، ۱۳۸۲: ۱، ۵۹) در نقل دیگری، آمده است، که روزی رسول گرامی خدا^(ع) با مشاهده آزار و اذیت‌های مرد نژاد پرست عرب، نسبت به سلمان فارسی، برآشفته و آن مرد عرب را مورد عتاب قرار داده و فرمودند: «آیا سلمان را از خویش دور می‌کنی؟! او را خداوند متعال در آسمان و رسول خدا^(ص) در زمین دوست می‌دارند؛ هرگاه جبرئیل به من نازل می‌شد، سلام خداوند را برای سلمان ابلاغ می‌داشت. ای مرد عرب! هرکس به سلمان جفا کند، به من جفا کرده است، هرکس او را بیازارد، مرا آزرده است، هرکس او را از خویش دور کند، مرا از خویش دور کرده است و هرکس به او نزدیک شود، به من نزدیک شده است.» (ابن عبدالبکر، ۱۴۱۲: ۲، ۶۰) در این نقل، سلمان فارسی، عنصر شاخص در مقابل عمل کرد همه‌ی افراد جامعه است؛ زیرا ناراحتی او ناراحتی رسول خدا^(ص) خواهد بود.

علاوه بر آن‌چه ذکر گردید، پیامبر مکرم اسلام^(ص) در مقابل ناسپاسی امت در صورت رویگردانی از اسلام، به تمجید از سلمان فارسی و قومش پرداختند. جمعی هنگام تلاوت آیه شریفه «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ.» (محمد / ۳۸) از رسول خدا^(ص) در مورد مصداق آیه سوال کردند؛ که حضرت اشاره به سلمان فارسی کرده و فرمودند: «سلمان و قومش هستند. سپس در ادامه بیان فرمودند: اگر دین خدا آویزه ستاره ثریا باشد، حتماً مردانی از فارس به آن خواهند رسید!» (متقی هندی، پیشین: ۱۲، ۹۰) بنابراین، سلمان از شاخص‌ترین صحابی هدایت‌گر و عنصر هدایتی توسط رسول خدا^(ع) در بین امت معرفی شده بودند.

علاوه بر این، یکی دیگر از صحابی شاخص هدایت‌گر جناب عمار یاسر بوده است. پیش‌گویی همراه با بیان فضایل و خصوصیات ممتاز شان در عصر نبوی در حریم عمومی موجب شده بود، تا

عمار در بین مردم جامعه دارای جایگاهی شاخص باشد. پیامبر مکرم اسلام^(ص) در تبیین و معرفی شخصیت عمار فرمود: «عَمَارٌ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَمَارٍ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ.» (صدوق، ۱: ۱۴۲۵، ۱، ۲۲۳) معیار حق بودن عمار آن چنان در بین اصحاب رسول خدا^(ص) مشهور بود، که ابن سعد نقل کرده است: «وَمَا كَانَ أَحَدٌ مِنْ قُدَمَاءِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ يَشْكُ أَنْ عَمَارًا قَدْ وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ وَلَا اثْنَيْنِ، فَهَنِيئًا لِعَمَارٍ بِالْجَنَّةِ وَلَقَدْ قِيلَ إِنَّ عَمَارًا مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَمَارٍ يَدُورُ مَعَهُ عَمَارٌ مَعَ الْحَقِّ أَتَيْنَا دَارَ وَ قَاتِلَ عَمَارٍ فِي النَّارِ.» (ابن سعد، ۱: ۱۴۱۰، ۳، ۲۶۲) جناب عمار، زبانی صریح، دلی شجاع و ایمانی راسخ داشت و در راه ادای وظیفه، هیچ گونه سازش و کوتاهی نشان نمی داد.

یکی دیگر، از خواص هدایت گر، جناب ابوذر غفاری بوده است. پیامبر اکرم^(ص) در سخنانی فرمودند: «مَا أَظَلَّتِ الْخَضِرَاءُ وَلَا أَقَلَّتِ الْعَبْرَاءُ عَلَى ذِي لَهَجَةٍ أَصْدَقُ مِنْ أَبِي ذَرٍّ يَعِيشُ وَحْدَهُ وَيَمُوتُ وَحْدَهُ وَيَبْعَثُ وَحْدَهُ وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَحْدَهُ.» (ابن هشام، بی تا: ۲، ۵۲۴) هم چنین حضرت امیر مومنان امام علی^(ع) فرمودند: «هیچ کس جزء من و ابوذر نیست، که در راه خدا از سرزنش دیگران نهراسد.» (ابن سعد، پیشین: ۴، ۱۷۵) این دو صفت شاخص؛ صداقت و روشن گری همراه با شجاعت برای جناب ابوذر جایگاهی شاخص در بین مسلمانان ایجاد کرد که بیان گر ثابت قدمی این صحابه جلیل القدر و عدم هراس از سرزنش دیگران است. شاهد عینی آن را در مقابله با خلفا مشاهده می کنیم که موجب گردید، توسط خلیفه ی سوم از مدینه به ربه، تبعید شود. (ابن ابی الحدید، ۱: ۱۴۰۴، ۸، ۲۵۲)

علاوه بر آن چه بیان شد، یکی دیگر از خواص هدایت گر، جناب اویس بن عامر مرادی، از طایفه قُرَین، معروف به اویس قرنی است. او از زمانی که آوازه ی پیامبر مکرم اسلام^(ص) را شنید، علاقه ای شدیدی به حضرت پیدا کرد؛ ولی هرگز نتوانست ایشان را ببیند. آنقدر آتش عشق او به پیامبر اکرم^(ص) شدید بود که پیامبر اکرم^(ص) در موارد متعددی از اویس قرنی، به نیکی یاد و اظهار اشتیاق به دیدار با او کرده و فرمودند: «تَفُوحُ رَوَائِحُ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ وَاشْوَاقُهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسُ الْقَرْنِيُّ أَلَا وَ مَنْ لَقِيَهُ فَلْيَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ.» (قمی، ۱: ۱۳۹۲، ۱، ۵۳) در ادامه امیر مومنان امام علی^(ع) در روایتی از پیامبر گرامی اسلام^(ص) نقل می کند، که ایشان در مورد اویس فرمود: «او از حزب خدا و رسول^(ص) اوست. مرگش به شهادت در راه دین خواهد بود و گروه بسیاری به واسطه ی شفاعت او از آتش جهنم رهایی می یابند.» (مفید، ۱: ۱۴۱۳، ۱، ۳۱۶) بنابراین، بیان فضایل و پیش گویی از صحابی شاخص بیان گر شناساندن هدایت گران الهی توسط رسول گرامی خدا^(ص) برای جامعه اسلامی بوده تا در بُعد معرفتی، عناصر شاخص را بشناسند.

علاوه بر آن چه بیان گردید، با توجه به این که رسول خدا^(ص) پیامبر آخر الزمان هستند، شناساندن

هدایت‌گران الهی برای سایر اعصار هم بیان گردیده است. رسول گرامی خدا پس از شناساندن هدایت‌گران منصوب به شناساندن جریان هدایت‌گر غیر منصوب پرداختند. در شناساندن هدایت‌گران از صحابی شاخص با ذکر نام و ویژگی بوده است، اما برای اعصار آتی و زمان‌های آینده، هدایت‌گر جامعه بر اساس ویژگی بیان شده است؛ چرا که دیگر فرد مطرح نیست و بر اساس معیار نبوی عناصر مشخص می‌گردد که امروزه مرجعیت مصداق آن است. در نقلی رسول مکرم خدا^(ص) فرمودند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي (ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قَالَ^(ص): الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي، يَرَوْنَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي.» (صدوق، پیشین: ۴، ۴۲۰) گرچه اکثر فقیهان، سند حدیث را تایید کرده‌اند، اما عده‌ای هم آن را ضعیف دانسته‌اند، که در پاسخ مرحوم نراقی گفته است: «بعد از جبران شدن با عمل اصحاب و ضمیمه کردن برخی به برخی دیگر و ورود اکثر این اخبار در کتاب‌های معتبر، ضعف این اخبار مضر نیست!» (نراقی، ۱۴۱۷: ۵۳۸) اکثر دانشمندان، مصداق این حدیث را فقیهان می‌دانند؛ زیرا در اقوال و سنت پیامبر مکرم اسلام^(ص) تقفه می‌کنند، که می‌توان به حضرت امام خمینی^(ه) اشاره کرد. (موسوی خمینی، بی‌تا: ۲، ۱۱) در ادامه به ویژگی خلفا و جانشینان نبوی که فقیهان هستند، اشاره شده است و در نقلی آمده است: «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷، ۱۳۱) بنابراین، به ویژگی هدایت‌گر در دوره‌های آتی و آینده هم، بر اساس ویژگی شناسانده شده است.

۲.۳. شناساندن خواص ضلالت‌گر ناظر به صحابی شاخص

پیامبر اکرم^(ص) علاوه بر شناساندن هدایت‌گران الهی، در راستای تبیین جریان حق و باطل اقدام به شناساندن خواص ضلالت‌گر ناظر به صحابی شاخص نیز، کردند، تا از آسیب انحراف برخی صحابی در آینده میان امت کاسته شود. در منابع تاریخی گزاره‌هایی نقل شده است، که حضرت در خواب مشاهده کردند، بنی امیه از منبرش بالا می‌روند و خودشان را در جایگاه ایشان قرار خواهند داد. در نقلی آمده است: «رَأَى رَسُولُ اللَّهِ فِي مَنَامِهِ بَنِي أُمِيَّةٍ يَصْعَدُونَ عَلَى مَنبَرِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَيُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْقَهْقَرِيِّ، فَاصْبَحَ كَثِيرًا حَزِينًا قَالَ: فَهَبْطُ عَلَيْهِ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ^(ص) مَالِي أَرَاكَ كَثِيرًا حَزِينًا؟ قَالَ: يَا جِبْرِئِيلُ، إِنِّي رَأَيْتُ بَنِي أُمِيَّةٍ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ يَصْعَدُونَ مَنبَرِي مِنْ بَعْدِي وَيُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْقَهْقَرِيِّ.» (کلینی، ۱۳۴۲: ۴، ۱۵۹) این نقل بیان‌گر شناساندن بنی امیه به امت اسلامی مبنی بر گمراهی شان بوده است. رسول خدا^(ص) برای معرفی لایه‌ی سوم، که افراد شاخص ضلالت‌گر هستند، به معرفی افراد با ذکر صفات پرداختند، تا در میان جامعه، بیش از پیش

به عنوان شاخص ضلالت‌گری شناخته شوند. از جمله این افراد، معاویه بن ابی سفیان است. اَنَسُ بْنُ مَالِكٍ نقل کرده است، از رسول خدا^(ص) شنیدم که فرمودند: «سمعت رسول الله^(ص) يقول سيظهر على الناس رجل من امتي، عظيم السرم، واسع البلعوم، ياكل ولا يشبع، يحمل وزر التقلين، يطلب الامارة يوماً، فاذا ادركتموه فايقروا بطنه.» در ادامه‌ی همین روایت، اَنَسُ بْنُ مَالِكٍ گفته است: «وكان في يد رسول الله قضيب، قد وضع طرفه في بطن معاوية.» (ابن ابی‌الحدید، پیشین: ۴، ۱۰۸) بنابراین، به وضوح وصف شکم بارگی معاویه همراه با فرمان رسول خدا^(ص) مبنی بر کشتن او در قالب پیش‌گویی، معرفی ضلالت‌گری او بوده است، تا آحاد جامعه اسلامی با شناخت افراد ضلالت‌گر جریان سلطنتی و موروثی آینده دستگاه خلافت را بشناسند.

در ادامه سلطنت بنی امیه، رسول خدا^(ص) اقدام به شناساندن سایر افراد ضلالت‌گر کردند. در نقلی آمده است، که روزی پیامبر خدا چشم‌شان به حکم بن العاص که از بنی امیه بود، افتاد و فرمود: «وای بر امت من از تو و از فرزندان!» (ابن اثیر، ۱۴۱۵: ۴، ۳۴۸)

در نقل دیگری وقتی مروان بن حکم به دنیا آمد، او را نزد رسول خدا^(ص) آوردند؛ که حضرت با ناراحتی فرمودند: «الوزغ بن الوزغ المعلنون بن المعلنون.» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰: ۴، ۴۷۹) مروان در جنگ جمل به عنوان اولین جنگ داخلی بین مسلمانان در سپاه طلحه و زبیر نقش آفرینی کرد. (ابن حجر عسقلانی ۱۴۱۵: ۶، ۲۰۴) وی از افرادی بود که طلحه و زبیر را برای شورش و تشکیل حکومت علیه امیر مومنان امام علی^(ص) ترغیب کرد و از آن دو خواست که برای دستیابی به حکومت، مردم را به بیعت با خود وادار سازند. (ابن قتیبہ دینوری، ۱۴۱۰: ۱، ۷۸)

در نهایت هم این خلفای خون‌خوار بنی امیه، یکی پس از دیگری به حکومت رسیدند و خون‌های زیادی را ریختند و بسیاری از بی‌گناهان را به تیغ دژخیمان سپردند؛ که از جمله آن جنایات حجاج بن یوسف فرمان‌دار کوفه در عصر عبدالملک بن مروان است، که بنا بر نقل طبری تعداد کسانی که کشته شدند، بالغ بر ۱۳۰ هزار نفر می‌شد. (طبری، ۱۴۱۳: ۶، ۳۸۱)

پیامبر اکرم^(ص) در راستای معرفی جریان باطل اقدام به شناساندن صحابی ضلالت‌گر کردند، تا نقاب از چهره‌ی آنان برداشته و جامعه اسلامی به خوبی آنان را بشناسند. از جمله این موارد، پیش‌گویی درباره‌ی زبیر بن عوام بود. زبیر که از صحابی رسول خدا^(ص) بوده و دارای جایگاه شاخص میان مسلمانان بود، اما پیامبر اکرم^(ص) با آینده‌نگری، روزی در حضور حضرت امیر مومنان امام علی^(ع) به زبیر فرمود: آیا علی بن ابی‌طالب را دوست داری؟ زبیر گفت: چرا دوست نداشته باشم، پیامبر اکرم^(ص) فرمود: چگونه‌ای وقتی ظالمانه با او بجنگی؟ (ابن عساکر، پیشین: ۱۸، ۴۰۹) پس از

مدتی وقتی امام علی^(ع) به خلافت رسید، زبیر در کنار طلحه و عایشه اولین جنگ داخلی میان مسلمانان را راه انداخت و بر ضد امام جامعه اسلامی خروج کرد. امیر مومنان امام علی^(ع) همین پیش‌گویی نبوی را به او یادآوری فرمود، که موجب شد زبیر پس از یادآوری این مطلب از اردوگاه کناره‌گیری کرد، اما فتنه‌انگیزی او موجب شده بود، جنگ جمل برپا شود.

در ادامه یکی دیگر از خواص ضلالت‌گر «عبدلله بن زبیر» بوده است، که پیامبر اکرم^(ص) با بیان اوصاف و اقداماتش، فرمودند: «مردی از قریش که به او عبدالله می‌گویند؛ در مکه الحاد می‌کند که نصف عذاب عالم بر او است. قسم به خدا من آن فرد نخواهم بود. به همین دلیل از مکه بیرون رفت و در طایف ساکن شد! (ذهبی، ۱۴۱۳: ۴، ۴۰۵) جناب ذهبی از عالمان اهل سنت، با نقل حدیث فوق، مصداق سخن نبوی را عبدالله بن زبیر دانسته است.

هم‌چنین، در نقل‌های دیگری مصداق این روایت را عبدالله بن زبیر دانسته‌اند. احمد بن حنبل نقل کرده است: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا إسماعيل بن أبان الزرقاني ثنا يعقوب عن جعفر بن أبي المغيرة عن بن أبيزى عن عثمان بن عفان قال قال له عبد الله بن الزبير حين حصران عندي نجائب قد أغدذتها لك فهل لك ان تحول إلى مكة فأتيتك من أراد أن يأتيك قال لا إني سمعت رسول الله يقول يلجد بمكة كبش من قريش اسمه عبد الله عليه مثل نصف أوزار الناس.» (صفدي، ۱۴۲۰: ۱۷، ۹۲؛ ابن حنبل بغدادی، پیشین: ۱، ۵۱۹) این نقل بیان‌گر این است، که حتی جناب عثمان، هنگام محاصره در پاسخ عبدالله بن زبیر برای پناه بردن به مکه، سخن رسول خدا^(ص) را به یاد آورده و چنین پنداشته است، که مقصود روایت از کسی که باعث الحاد در مکه می‌شود، عبدالله بن زبیر است!!

علاوه بر آن‌چه بیان گردید، یکی دیگر از اقدامات رسول خدا^(ص) در شناساندن خواص ضلالت‌گر، پیش‌گویی حضور یکی از همسرانش در منطقه حوآب بوده است. وقتی عایشه عزم خروج و مقابله با حاکم جامعه اسلامی را کرد، در بین مسیر به منطقه حوآب رسید. او با شنیدن نام حوآب، ناگهان فریاد زد و گفت: مرا به سوی حرم پیامبر خدا^(ص) در مدینه برگردانید. وقتی دلیل را سوال کردند، گفت: «پیامبر اکرم^(ص) فرموده بود؛ گویا می‌بینم یکی از همسرانم را که میان گروهی طغیان‌گر قرار داشته و سگ‌های حوآب بر او پارس می‌کنند. اکنون معلوم شد، که آن زن من هستم، سپس ناله کرد و گفت: «انا لله و انا اليه راجعون!» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲، ۲۲۴؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳، ۱۰۲) بنابراین، رسول خدا^(ص) در قالب پیش‌گویی اقدام به شناساندن خواص ضلالت‌گر کردند، تا نقاب از چهره‌ی شوم آنان برای جامعه اسلامی برداشته شود، تا عناصر ضلالت‌گر را شناخته و شریک مقاصد شوم شان نگردند. آن‌چه در ادامه خواهیم پرداخت، کارکردشناسی پیش‌گویی پیامبر

مکرم اسلام^(ص) از شناساندن هدایت‌گران الهی است.

بعد اول	• معرفی ائمه اطهار به صورت کلی و موردی
بعد دوم	• معرفی صحابی شاخص هدایت‌گر
بعد سوم	• معرفی صحابی شاخص ضلالت‌گر

۳. کارکرد پیشگویی

پس از بیان ابعاد هدایت‌گری رسول خدا^(ص) در قالب پیشگویی، باید به بررسی کارکردهای آن پرداخت. با توجه به اینکه پیشگویی‌ها صرفاً خبر از آینده نبوده بلکه ایشان به عنوان فرد حکیمی که وظیفه هدایت جامعه را داشته، در بیان پیشگویی، کارکردهایی را دنبال نموده‌اند که در ادامه بیان می‌شود.

۳.۱. تبیین جریان حق و باطل

کارکردی که از پیش‌گویی نبوی در شناساندن بُعد اول و اصیل هدایت‌گران دنبال کردند تبیین جریان حق و باطل بوده است. رسول مکرم خدا^(ص) بعد از معرفی امامان اطهار از اهل‌بیت^(ع) خود به صورت کلی در عدد و مصداقی، آن‌ها را به خود نسبت داده و پیروی و تبعیت از آن‌ها را همراهی با دین خود بیان کردند. در ادامه با اعلام انزجار از جریان باطل و ضلالت‌گر، نسبت به مخالفان و دشمنان اهل‌بیت^(ع) تحذیر و هشدار داده است، تا امت اسلامی به خوبی رویارویی جریان حق و باطل را شناخته و از طرفی با مخالفان امامان اطهار و معصوم^(ع) همراهی نکرده، هم‌چنین به پیروی از امامان معصوم^(ع) پس از خودشان به عنوان امام جامعه و پیشوای حق اقدام نمایند. در همین راستا پیامبر گرامی اسلام^(ص) در قالب پیش‌گویی، فرمودند: «من، فرستاده خدا به سوی همه‌ی مردم هستم، ولی بعد از من، پیشوایانی الهی از اهل بیتم برای مردم خواهند بود، که در میان مردم به رهبری بر می‌خیزند، لیکن از سوی آنان تکذیب می‌شوند و پیشوایان کفر و ضلالت و پیروان شان، بر ایشان ستم روا می‌دارند. هرکس آنان را دوست بدارد و از ایشان پیروی کند و تصدیق شان نماید، از

من است و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد. آگاه باشید که هرکس به ایشان ستم روا دارد و تکذیب شان کند، از من نیست و با من نیست و من از او بیزارم.» (کلینی، پیشین: ۱، ۲۱۵)

لازم به ذکر است، جایگاه فرا عصری رسول مکرم خدا^(ص) برای امت اسلامی محدود به دوره‌ی حضور فیزیکی ایشان نیست، بلکه به صورت فرا عصری برای دورانی هم که حضور فیزیکی نداشتند، به هدایت‌گری جامعه با تبیین جریان حق و باطل اقدام کردند. گرچه در بستر زمان در عصر بعد از رحلت رسول خدا^(ص)، جریان اقلیت در پیروی از اسلام ثابت قدم مانده، اما جریان اکثریت مرتد شدند. همان‌طور که نقل شده است: «إِذْ تَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ^(ص) إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٍ الْمَقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَ لَجُّوا بَعْدُ.» (مفید، پیشین: ۶) اما با توجه به کارکرد پیش‌گویی فرا عصری نبوی، جریان در بازه‌ی زمانی خاص و محدود تعریف نشده و مقطعی نخواهد بود، بلکه در طول تاریخ شکل گرفته است. از این‌رو، باید سیر تاریخ را مشاهده کرد. یکی از آرزوهای دیرین بشر، برچیده شدن بساط ظلم و بیدادگری از جامعه و حکم‌فرمایی صلح و آرامش و اجرای عدالت در سراسر جهان است. رسول خدا^(ص) در قالب پیش‌گویی سیر حرکتی برای نسل بشر در تمامی اعصار را تبیین کردند، که حزب شیطان در مقابل حزب الهی صف‌آرایی کرده و خواهند کرد؛ گرچه در کارزار حق و باطل فراز و نشیب وجود داشته است، اما در انتها با توجه به وعده الهی، «والعاقبه للمتقين» خواهد بود. (قصص / ۸۳) چرا که خداوند اراده کرده است، جریان نبوت به‌عنوان جریان تاریخی با غلبه جریان حق بر باطل همراه باشد. از این‌رو، خدای متعال فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.» (توبه / ۳۳) بنابراین، رسول گرامی اسلام^(ص) فرجام تاریخ را در تبیین جریان حق و باطل، با ابزار مختلف که از موارد آن پیش‌گویی بوده بیان کردند. پیروزی نهایی جبهه حق با ظهور حضرت مهدی^(عج) می‌شود. در روایتی از رسول مکرم اسلام^(ص) بعد از بیان مشخصات حضرت مهدی^(عج)، فرمودند: «يُظْهِرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَيَخْمدُ الْبَاطِلَ بِاسْبَافِهِمْ وَ يَتَّبِعُهُمُ النَّاسُ رَاغِبًا إِلَيْهِمْ وَ خَائِفًا مِنْهُمْ.» بنابراین، قیام حضرت مهدی موعود^(ع) آخرین حلقه، از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است، که از آغاز جهان برپا بوده و ایشان تحقق بخش ایده آل همه‌ی انبیا و مردان مبارزه راه حق است، که با نابودی کامل ظلم و پیروزی حق همراه خواهد بود.

۳.۲. شاخص سنجی و معیار شناخت باطل

کارکردی که پیامبر اکرم^(ص) از معرفی صحابی شاخص دنبال فرمودند، این بود، که امت اسلامی در غبار فتنه‌ها که شناخت حق و باطل دشوار می‌گردد، با مراجعه و الگوگیری از شخصیت‌های

شاخص به عنوان معیار، الگو و راهنما، نسبت به جریان در مقابل آنان شناخت پیدا کرده و به صراط مستقیم و مسیر هدایت تمسک جویند. برای این مهم پیامبر مکرم اسلام (ص) آنان را معیار حق و قاتل آنان را باطل و اهل جهنم معرفی کردند. رسول گرامی اسلام (ص) در نقلی فرمودند: «وَيُخِ عَمَارٌ تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَ يَدْعُوْنَهُ إِلَى النَّارِ.» (اربلی، ۱۳۸۱: ۱، ۲۵۸؛ ابن سعد، پیشین: ۳، ۲۶۲؛ بخاری، ۱۴۱۰: ۱، ۱۷۲) با توجه به جایگاه عمار یاسر، در بین اصحاب، کسی شک نداشت، که بهشت بر عمار واجب است. نه در یک جا و نه در دو جا، بهشت بر عمار گوارا باد. عمار با حق است هر جا باشد و کشته‌ی عمار، در آتش است. (بلاذری، پیشین: ۱، ۱۷۴) این پیش‌گویی پیامبر مکرم اسلام (ص) در جنگ صفین به دست سپاهیان معاویه در صحنه حساس جنگ صفین که یک فتنه برای جامعه اسلامی بوده است، قابل مشاهده است. آن‌جا که لشکریان امیر مومنان امام علی (ص) با مشاهده اهل نماز بودن لشکر دشمن دچار تردید شده بودند و حضرت در پاسخ آن‌ها را به عمار یاسر ارجاع دادند، که عمار با صراحت، به روشن‌گری و تبیین پرداخته و گفت: «مواضع ما اینک همان موضعی است، که در روزهای بدر و احد و حنین زیر پرچم پیامبر گرامی اسلام (ص) داشتیم و آنان در مواضع احزاب مشرک آن روزها قرار دارند.» (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۳۳۸) معیار و شاخص سنجی با مراجعه به عمار یاسر، موجب گردید، تا تعدادی از افراد لشکر دشمن، به لشکر امیر مومنان امام علی (ع) بپیوندند. (ابن سعد، پیشین: ۳، ۲۵۹)

یکی دیگر، از صحابی جلیل‌القدری که در پیش‌گویی نبوی، شاخص و معیار شناخت حق و باطل معرفی شده است، «اویس قرنی» بوده است. حضور اویس قرنی در جنگ قاسطین به عنوان معیار علاوه بر هدایت‌گری مسلمانان در لشکریان معاویه نیز، تأثیر گذاشت، تا آن‌جا که در نخستین روز نبرد، یکی از جنگ‌جویان سپاه معاویه از سپاهیان امیر مومنان امام علی (ع) پرسید: آیا اویس قرنی، در لشکر شماست؟! جواب داده شد: آری، از او چه می‌خواهی؟! گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: اویس قرنی از بهترین تابعان، یعنی مسلمانان بعد از اصحاب پیامبر اکرم (ص) است. این را گفت و بی‌درنگ وارد سپاه حضرت امیر مومنان امام علی (ع) شد. (همان: ۶، ۱۶۳)

بنابراین، در سیره‌ی پیامبر مکرم اسلام (ص) پیش‌گویی‌هایی با معرفی افرادی به عنوان خواص هدایت‌گر، برای جامعه مسلمانان انجام گردید، تا آنان به عنوان الگو و معیار شناخت حق و باطل در شرایط سخت فتنه و انحراف مدعیان خلیفه اسلامی، عموم مسلمانان بتوانند، از آن‌ها تبعیت کرده و به نجات و رستگاری دست یابند. به عبارت دیگر، شناساندن آن‌ها به وضوح و آشکار برای جامعه اسلامی برای راهنمایی و هدایت مردم در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی بوده است،

تا مردم با مراجعه به آن‌ها به هدایت برسند.

کارکرد دیگری که از پیش‌گویی‌های نبوی می‌توان اشاره کرد، شناخت جریان ضلالت‌گر برای امت اسلامی بوده است. به صورت طبیعی وقتی خواص هدایت‌گر با پیش‌گویی و بیانات پیامبر مکرم اسلام^(ص) در جامعه شناخته شوند، طرف مقابل آن‌ها که جریان باطل و ضلالت‌گر هستند، هم شناخته می‌شوند. بنابراین، شناخت جریان‌های خطرناک، گمراه، گمراه‌کننده و ضلالت‌گر برای جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا موجب تبیین و شناخت فتنه‌گران در حوادث مختلف می‌شود. با توجه به این‌که پیامبر اکرم^(ص) با علم لدنی خود می‌دانست، که جریان ضلالت و باطل به غصب خلافت و کنار زدن ساحت مقدس امامت و ولایت اقدام خواهند کرد، در قالب پیش‌گویی مسیر شناخت این جریان ضلالت‌گر را برای جامعه اسلامی هموار کردند، تا اتمام حجتی برای همگان باشد.

علاوه بر آن‌چه بیان گردید، رسول گرامی اسلام^(ص) با پیش‌گویی از خواص و جریان ضلالت‌گر، فضای آینده جامعه را برای امام علی ابن ابی‌طالب^(ع) به‌عنوان امام و رهبر جامعه که مسؤولیت هدایت امت اسلامی را داشتند، تبیین کردند، تا بیش از پیش نسبت به آن آگاه باشند. از این‌رو، در دفعات متعدد حضرت امام علی^(ع) در دوران حکومت خود پیش‌گویی و سفارش‌های پیامبر اکرم^(ص) را یادآوری کردند. به‌عنوان نمونه می‌توان به سفارش پیامبر اکرم^(ص) نسبت به مقابله با جریان ضلالت‌گر اشاره کرد، که حضرت در روز نهروان فرمودند: «أمرنی رسول الله^(ص) بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین.» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۸، ۳۴۰)

۳.۳. شناساندن عناصر مانع در هدایت‌گری

کارکرد دیگری، که از پیش‌گویی‌های نبوی قابل مشاهده بوده است، این است، که پیامبر مکرم اسلام^(ص) علاوه بر شناساندن جریان ضلالت‌گر در راستای هدایت امت اسلامی، با مشاهده دشمنی دشمنان از صدر اسلام، تلاش کردند گمراهی آنان را در قالب پیش‌گویی از اقدامات شان، به صورت فراعصری به جامعه اسلامی گوش‌زد و اثبات نمایند. پیامبر مکرم اسلام^(ص) عناصر مانع هدایت را با پیش‌گویی از اقدام آنان در کشتن صحابی شاخص هدایت‌گر که مقبولیت عمومی و نفوذ اجتماعی در امت اسلامی داشتند، بیان کردند. به‌عنوان نمونه، از جمله این افراد، صحابی جلیل‌القدر جناب «حجر بن عدی» بوده است، که صاحب منزلت نزد پیامبر اسلام^(ص) بوده و در زهد و تقوا و عبادت اشتغال داشت. به نقل اهل تاریخ و حدیث، او را «حجرالخیر» می‌خواندند و مستجاب الدعوه بود. (ابن

اثیر، ۱۴۱۵: ۱، ۳۸۶) حجر بن عدی در میان مردم چهره‌ای جلیل‌القدر و مورد احترام بوده و دارای شخصیت اجتماعی و صاحب نفوذ بود، که در فتوحات اسلامی نقش بسیار برجسته‌ای داشته است. در نقلی آمده است: «چون حجر و یارانش به قریه مرج عذرا در دوازده میلی دمشق رسیدند، معاویه فرمان قتل آنان را صادر کرد!!» (ابن سعد، پیشین: ۶، ۲۱۹؛ مسعودی ۱۴۰۹، ۳، ۱۸۹)

در نقل دیگری آمده است: «نخستین فردی که در زمان فتوحات وارد منطقه عذرا شده و آن‌جا را فتح کرده و در نهایت کشته شد، حجر بن عدی بود.» (ابن سعد، پیشین: ۶، ۲۱۷؛ یعقوبی، ۱۴۲۲: ۲، ۲۳۱) همچنین به روایت مسعودی، جناب حجر بن عدی، نخستین مسلمانی بود، که دست بسته و به اسارت کشته شد. (مسعودی، پیشین: ۱۸۸)

در ادامه، عایشه پیش‌گویی پیامبر گرامی اسلام^(ص) درباره‌ی قاتلانی که با کشتن افرادی در منطقه عذرا خشم خدا را برافروخته اشاره کرده و به معاویه گفت: «سمعت رسول الله^(ص) يقول سیقتل بعذراء اناس يغضب الله لهم و اهل السماء.» (ابن عساکر، پیشین: ۱۲، ۲۲۶)

علاوه بر آن‌چه بیان شد، وجود مقدس حضرت امام حسین^(ع) نسبت به اقدام معاویه در کشتن حجر بن عدی، فرمودند: «الَّتِی قَاتَلَ حُجْرًا وَ أَصْحَابَهُ الْعَابِدِينَ الْمُحِبِّينَ، الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَفْظُونَ الْبَدَعَ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَقَتَلْتَهُمْ ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا، مِنْ بَعْدِ مَا أُعْطِيَتْهُمْ الْمَوَاقِيقُ الْغَلِيظَةُ وَ الْعُهُودُ الْمُؤَكَّدَةُ، جُرْأَةً عَلَى اللَّهِ وَاسْتِخْفَافًا بِعَهْدِهِ.» (ابن قتیبہ دینوری، ۱۳۷۳: ۱، ۲۰۳)

در این پیش‌گویی که ریخته شدن خون مبارک افرادی در منطقه عذرا، که غضب الهی را در پی خواهد داشت، گرچه اسامی افراد بیان نشده است، ولی در فضای اجتماعی، این موضوع به روشنی مرجع ضمیر خود را یافته و شاهد آن اعتراضات دوست و دشمن نسبت به اقدام معاویه بوده است. تأثیر کشته شدن حجر بن عدی، در جامعه و بلاد اسلامی و سرزنش‌های گسترده و نفرت امت اسلامی بر ضد او را به همراه داشت؛ در حدی که فاجعه عذرا، خشم جامعه اسلامی را برانگیخت؛ زیرا با شهادت مظلومانه‌ی حجر بن عدی، حرمت اسلام درهم شکسته شد. برخی از افراد سرشناس مسلمان با شنیدن شهادت حجر بن عدی اعتراض خود را آشکار کردند؛ که علاوه بر موارد فوق، می‌توان به حسن بصری از دانشمندان اهل سنت اشاره کرد. او پس از شنیدن خبر شهادت جناب حجر بن عدی، به گناه بزرگی که معاویه مرتکب شده بود، اذعان داشت و گفت: «فیا ویلا له من حجر!» (ابن اثیر، پیشین: ۳، ۴۸۷) آنقدر بیان پیش‌گویی درباره‌ی شهادت او برای مردم واضح است، که پس از کشتن او، افرادی از نزدیکان معاویه همانند مالک بن هُبَیره هم به معاویه اعتراض کرده و گفت: «به کار زشتی دست زده است.» (ابن قتیبہ دینوری، پیشین: ۲۲۴)

لازم به ذکر است، گرچه در عمل در آن بازه‌ای زمانی، معاویه هنوز هم مورد احترام بوده و جایگاه داشته

است، اما بخشی از تنفر عمومی ذیل همین حوادث از جمله کشتن حجر بن عدی صورت گرفته و زمینه ساز نارضایتی‌های بعدی بر ضد معاویه شده است، که از مصادیق آن، اعتراض در جانشینی یزید قابل مشاهده بوده است. (یعقوبی، پیشین: ۲، ۲۲۸)

نتیجه‌گیری

پیامبر گرامی اسلام^(ص) یکی از ابزارهایی را که در راستای هدایت جامعه اسلامی برای دورانی که حضور فیزیکی نداشتند، در قالب پیش‌گویی بیان کردند. برای رسیدن به این مهم، رسول خدا^(ص) به معرفی دو جریان هدایت‌گر و ضلالت‌گر در جامعه پرداختند. از این‌رو، از طرفی در دو لایه، اقدام به شناساندن اهل بیت عصمت^(ع) به عنوان امامان و رهبران جامعه و صحابی شاخص به عنوان مکمل و مروج لایه اول کردند. هم‌چنین در لایه سوم اقدام به شناساندن خواص ضلالت‌گر کردند، تا جریان حق و باطل برای امت اسلامی تبیین گردد. پیش‌گویی علاوه بر ابزار هدایتی در عصر نبوی، یکی از ابزارهای هدایتی ایشان در بُعد فرا عصری است، که تأثیر گفتارهای ایشان را فراتر از دوران حیات شان ثابت داشته و در حقیقت آثار وجودی ایشان را گسترده‌تر از عصر حضور هر معصوم آشکار می‌سازد. پیش‌گویی‌های نبوی ثابت می‌کند، که ابعاد وجودی ایشان منحصر به یک دوره‌ی تاریخی نبوده و برای دورانی که حضور فیزیکی هم ندارند در قالب پیش‌گویی به هدایت انسان‌ها و جامعه پرداخته‌اند، که ناظر به علم فرا عصری پیامبر اکرم^(ص) است؛ فلذا مسلمانان می‌توانند، با دنبال کردن خط سیر خاتم الانبیا^(ص) آینده‌نگری داشته است و در حوادث گوناگون با دنبال کردن خط سیر نبوی به عنوان مشعل راه به سعادت و هدایت دست یابند.

منابع

قرآن کریم

١. ابن ابی الحديد معتزلی، عبدالحمید بن هبته الله (١٤٠٤ ق)، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
٢. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (١٤١٥ ق)، /سد الغابه في معرفه الصحابه، تحقیق علی محمد معوض، عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
٣. _____ (١٣٨٥ ق)، الکامل فی التاريخ، بیروت، دار صادر، چاپ اول.
٤. _____ (١٣٩٩ ق)، النهایة فی غریب الحديث والأثر، بیروت، مکتبه العلمیه، چاپ اول.
٥. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (١٤٠٦ ق)، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، ریاض، جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیه، چاپ اول.
٦. ابن حنبل، ابوعبدالله احمد (١٤١٦ ق)، مسند احمد بن حنبل، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره، دار الحديث، چاپ اول.
٧. _____ (١٤٠٠ ق)، مسند احمد ابن حنبل، بیروت، المکتب الاسلامی، چاپ دوم.
٨. ابن سعد بن منیع بغدادی، محمد (١٤١٠ ق)، الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
٩. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (١٣٧٩ ق)، مناقب آل ابی طالب، مصحح محمدحسین آشتیانی و هاشم رسولی، قم، انتشارات علامه، چاپ اول.
١٠. ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف (١٤١٢ ق)، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، بیروت، دار الجیل، چاپ اول.
١١. ابن عساکر، ابوالقاسم (١٤١٥ ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
١٢. ابن قتیبه دینوری، ابوحنیفه (١٣٧٣)، الأخبار الطوال، قم، منشورات الشریف الرضی، چاپ اول.
١٣. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی تا) المغنی، بیروت، دارالکتب العربی للنشر و التوزیع، چاپ اول.
١٤. ابن کثیر، عمادالدین (١٣٩٨ ق) البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
١٥. ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ ق)، لسان العرب، دار صادر، چاپ سوم.
١٦. ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک (بی تا)، السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول.

۱۷. ابن عبدربه، احمد (۱۴۰۷ ق)، العقد الفريد، بيروت، دار الكتب العلميه، منشورات محمدعلي بيضون، چاپ اول.

۱۸. اخطب خوارزم، موفق بن احمد (۱۴۲۳ ق)، مقتل الحسين^(ع)، قم، انوارالهدی، چاپ دوم.

۱۹. _____ (۱۴۱۱ ق)، المناقب، تحقيق مالك محمودی، قم، انتشارات موسسه

النشر الاسلامی التابعه بجماعه المدرسين فی حوزه العلميه بقم المقدسه، چاپ دوم.

۲۰. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ق)، كشف الغمّه فی معرفه الاثمه، تبریز، انتشارات بنی هاشمی، چاپ اول.

۲۱. البانی، محمد ناصرالدین (۱۴۱۲ ق) السلسله الضعيفه، ریاض، مكتبه المعارف، چاپ اول.

۲۲. بخاری، ابو عبدالله محمد (۱۴۱۰ ق) صحيح البخاری، مصر، لجنة إحياء كتب السنه، چاپ دوم.

۲۳. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق) أنساب الأشراف، بيروت، دارالفکر، چاپ اول.

۲۴. ترمذی، ابو عیسی محمد (۱۴۱۹ ق) السنن، محقق شاکر، قاهره، دار الحديث، چاپ اول.

۲۵. جوهری، ابونصر (۱۴۰۷ ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيه، بيروت، دار العلم، چاپ اول.

۲۶. حجاج نیشابوری، مسلم (۱۴۲۴ ق)، صحيح مسلم، بيروت، داراحياء التراث العربی، چاپ اول.

۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشيعه، تحقيق و تصحيح موسسه آل البيت^(ع)

لاحياء التراث، قم، موسسه آل البيت^(ع) لاحياء التراث، چاپ اول.

۲۸. حسکانی، عبيدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ ق)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران، موسسه الطبع و

النشر، چاپ اول.

۲۹. خطيب بغدادی، احمد (۱۴۱۷ ق)، تاريخ بغداد، لبنان، دار الكتب العلميه، منشورات محمدعلي

بيضون، چاپ اول.

۳۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷)، لغت‌نامه، تهران، سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۳۱. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ ق)، تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، بيروت، دار

الكتاب العربی، چاپ اول.

۳۲. راغب اصفهانی، حسين بن محمد (۱۴۱۶ ق) المفردات فی غريب القرآن، تهران، انتشارات دار

القلم، چاپ اول.

۳۳. رضی، ابوالحسن (۱۴۱۱ ق)، نهج البلاغه، محقق صبحی الصالح، بيروت، دارالكتاب البناني،

چاپ اول.

٣٤. سخاوی، محمد بن عبدالرحمان (١٤٠٥ ق / ١٩٨٥ م)، المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الاحادیث المشتهره علی اللسنه، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ اول.
٣٥. سرخسی، محمد بن احمد (بی تا) اصول السرخسی، تحقیق ابوالوفا افغانی، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول.
٣٦. صدوق، محمد بن علی (١٤٢٥ ق)، علل الشرائع، قم - نجف اشرف، مکتبه الداوری - مکتبه الحیدریه، چاپ اول.
٣٧. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک (١٤٢٠ ق)، الوافی بالوفیات، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
٣٨. طبرانی، سلیمان بن احمد (١٤٠٤ ق) معجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، چاپ دوم.
٣٩. طبری، محمد بن جریر (١٤١٣ ق)، دلائل الامامه، قم، انتشارات بعثت، چاپ اول.
٤٠. عجلونی، اسماعیل بن محمد (١٣٥١ ق)، کشف الخفاء و مزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی ألسنة الناس، قاهره، مکتبه القدسی، چاپ اول.
٤١. عمید، حسن (١٣٦٠)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
٤٢. فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤٠٨ ق)، العین، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
٤٣. قمی، عباس (١٣٩٢)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران، انتشارات اسوه، چاپ هفتم.
٤٤. کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٤٢)، الکافی، تهران، المکتبه الاسلامیه، چاپ اول.
٤٥. مبارکفوری، محمد عبدالرحمان (١٤١٠ ق)، تحفه الاحوذی، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
٤٦. متقی هندی، علاء الدین (١٤١٩ ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
٤٧. مسعودی، علی بن الحسین (بی تا)، التنبيه و الاشراف، تحقیق عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره، دارالصاوی، چاپ اول.
٤٨. _____ (١٤٠٩ ق)، مَرُوجُ الذَّهَبِ و مَعَادِنُ الْجَوْهَرِ، بیروت، دارالهجره، چاپ اول.
٤٩. معین، محمد (١٣٨٦)، فرهنگ فارسی معین، تهران، نامن، چاپ دوم.
٥٠. مفید، محمد (١٤١٣ ق)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.

۵۱. مناوی، محمد (۱۳۵۶ ق)، فیض‌القدیر شرح الجامع الصغیر، قاهره، المكتبة التجارية الكبرى، چاپ اول.

۵۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ ق)، صحیح مسلم، محقق عبدالباقی، قاهره، دار الحديث، چاپ اول.

۵۳. هیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۱۴ ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره، مكتبة القدسی، چاپ دوم.

۵۴. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۴۲۲ ق)، تاریخ‌الیعقوبی، بیروت، دار صادر، چاپ اول.